

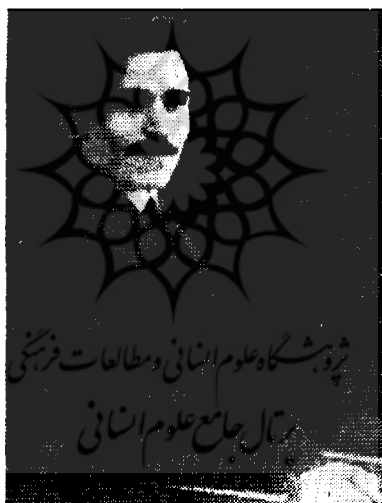
دکتر هرانند - قو کاسیان

## واهان دریان

شاعر اندوه و رؤیا

شاعری که آهنگ شعرش زباززد شاعران ارمنی است

واهان دریان یکی از شعرای قدر اول ارمنی است که همراه با هوانسیان ،



تومانیان و ایساهاکیان چهار رکن اساسی شعر غنائی ارمنی را تشکیل میدهند و حتی میتوان گفت که دریان بزرگترین غزلسرای ارمنستان بشمار میرود اشعارش نه تنها در میان شاعران ارمنستان شرقی بلکه در میان کلیه شعرای ارمنستان از لحاظ وزن و موسیقی و هماهنگی و ترکیب خاص کلمات و تناسب اشترک و حروف در مرتبه نخستین از اهمیت قرار دارد .

دریان در بین شعرای ارمنستان شرقی چهره‌ای منحصر بفرد را دارا است اما در میان شعرای ارمنی اورا شاعر آهنگ و موسیقی لقب داده‌اند .  
وی بسال ۱۸۸۵ در دهکده « گانجا » از قراء گرجستان در کنار خانواده‌ای شریف و در داهان مادری از دودمان‌های نجیب و ممتاز پرورش یافت . پدرش کشیش سوکیاس از روحانیون دانشمند و روشنفکر و فارغ‌التحصیل مدرسه « نرسیان » تفلیس بوده و در آن دهکده بعنوان کشیش محل و معلم شهرت فراوان داشته است دریان علو طبع و لطافت ذوق را از مادر خود بارث برده است خواهران و برادران دریان که تعدادشان بدوازده تن میرسیدند هر کدام بنوبه خود از متفکرین و افراد سرشناس زمان خود بوده‌اند .

دریان تحصیلات نخستین خود را در نزد پدرش و همچنین در مدرسه زادگاهش و سپس در تفلیس گذرانیده آنگاه برای تکمیل و ادامه آن بسال ۱۸۹۹ روانه مسکو شده و در آنجا وارد سال سوم رشته شرقشناسی مدرسه عالی لازاریان گردیده است .  
وی در این مدت با اساتید عالیقدر ادب از نزدیک آشنائی پیدا کرده و بزبانهای لاتین ، روسی و قوف کامل یافته و با ولع هر چه تمامتر بمطالعه کتب ادبی و شاهکارهای جاویدان ارمنی و روسی مشغول شده و با شوق و علاقه فراوان بتماشا و مطالعه نمایشنامه‌های روسی پرداخته است .

وی براهنمائی « دورلانگن » که خود از فلاسفه روشنفکر دانمارک بود و در مدرسه لازاریان مسکو بتدریس السنه قدیم و فلسفه یونان اشتغال داشت به بررسی و مطالعه کتب و آثار « پل ورن » ، « شارل بودار » و « استفان مالارمه » و دیگران پرداخت و آشنائی با این شاعران تأثیر بسزائی در روحیه و اندیشه شاعر بجا گذاشت و شالوده هنر اورا استوار کرد .

دریان با طبع حساس و ذوق سرشار خود همراه با دانشجویان مدرسه عالی لازاریان که همه دارای فعالیت ادبی و هنری بودند انجمنهائی تشکیل داد و با سرودن اشعار نغز و دلنشین و چاپ آن در نشریات آن مدرسه که خود سرپرستی اداره و انتشار آنرا داشت شهرتش افزود .

از سال ۱۹۰۳ که مصادف با جنبش آزادی طلبانه ارمنه ترکیه و دوران پر آشوب ساسون (۱۹۰۳-۴) و تسخیر اموال کلیسای ارمنه در روسیه و جنگ روس و ژاپن بود تا سال (۱۹۰۵-۶) که نخستین انقلاب روسیه بوقوع پیوست کلیه مدارس آن سامان منجمله مدرسه لازاریان تعطیل شد و دریان ناگزیر از تحصیل باز ماند در همین اوان جنگهای ارمنه با همسایگان در گرفت و جوانان ارمنه بر آن شدند که برای دفاع از حقوق حقه خویش دست از تحصیل باز دارند و بجانب قفقاز رهسپار گردند .

دریان نیز مانند همدرسان خود بدانجا عزیمت کرد و سپس به تفلیس و شیراک رفت و بالاخره پس از شش سال بدهکده موطن خود رسید و پس از اندکی توقف به «شیراک» و سپس به «قازار آباد» رفت و در آنجا با استاد آودیک ایساها کیان ملاقات کرد . ایساها کیان در خاطرات خود می نویسد :

نیک بیاد دارم که با دریان در کنار دیوارهای نمازخانه می نشستیم و با یکدیگر دست افشانی روستاؤیان را نظاره میکردیم . دریان پس از نگاه به آنان میگفت .  
بنگر آنها با چشمانی بی فروغ و سیمائی غمگین در آفتاب و باران سوخته و آتش گرفته اند ...

دریان در اوایل سال ۱۹۰۶ پس از آن سیاحتها برای گذراندن امتحانات نهائی خود بروسیه بازگشت و پس از فراغت از تحصیل از آنجا وارد دانشگاه مسکو

گردید و بمطالعات ادبی . هنری . تاریخی و اجتماعی و سیاسی پرداخت . دریان در سال ۱۹۰۸ نخستین مجموعه شعر خود را در تفلیس بنام «رؤیاهای شامگاهی» منتشر ساخت و در سال ۱۹۱۲ مجموعه کامل خود را بچاپ رسانید . و در سال ۱۹۱۳ دانشگاه مسکو را بپایان رسانید ولی از آنجا که همواره حرص دانش طلبی داشت در همان سال وارد رشته السنه شرقی دانشگاه بطرزبورگ ( لنینگراد فعلی ) شد و در این دانشگاه زیر نظر اساتید بلند قدر ارمنی چون « پرفسور آدونتز » و « نیکلاماری » زبان کلاسیک و جدید ارمنی را مورد مطالعه قرار داد و علاوه بر این بتحصیل صرف و نحو عربی . فارسی و گرجی نیز پرداخت و در عین حال به مطالعات خود در زمینه‌های فلسفه و علوم اجتماعی و سیاسی ادامه داد نوشته‌های وی در این دوره بهترین دلیل مطالعات دقیق اوست . و بهمین لحاظ دریان از نظر پژوهش و تحصیل در علم و دانش در بین کلیه نویسندگان و شعرای ارمنی زبان چهره‌ای یگانه بشمار میرود . آشنائی او بچندین زبان و مطالعاتش در تاریخ عمومی و مهارتش در ادبیات و علوم اجتماعی و سیاسی و بویژه تبخروی در تجزیه و تحلیل عقاید مارکسیسم بود که تومانیان شاعر ملی ارمنه را برانگیخت تا بگوید :

« او در بین تمام شاعران ارمنی زبان با تجهیزات و اطلاعات وسیع به میدان آمد . »

دریان مدت سه سال یعنی تا سال ۱۹۱۶ در آب و هوای مرطوب «بطرزبورگ» با وضع مالی رقت بار و مشکلات فراوان بتحصیل و مذاقه آثار بيشمار نویسندگان روسی پرداخت و در همین زمان تحت تأثیر فجایع وحشتناک و کشت و کشتار ارمنه بدست عثمانی ها بسرودن اشعار اجتماعی پرداخت و در همین هنگام با «ماکسیم گورکی» نویسنده بزرگ روس آشنائی پیدا کرد و با او در تدوین تاریخ

ادبیات ارمنی بزبان روسی همکاری نزدیک داشت و کتاب مزبور را در سال ۱۹۱۶ در پترزبورگ بچاپ رسانید .

با توجه به کارهایی این چنین شاق و فعالیت‌های توانفرسا برای کسی که در آب و هوایی نامساعد با فقر غذایی و مشکلات مادی بسر میبرد سرانجام روزی از پای درخواهد آمد .

دریان نیز مشمول این قانون طبیعت شد و بیماری سل حیات شاعر جوان را سخت بیازی گرفت و او را ناچار از تحصیل علم ودانش که از کودکی عاشق آن بود باز داشت و از « پترزبورگ » به ایروان و از آنجا به آسایشگاه « سوخوم » راهی کرد . اما گرفتاریهای فراوان وعشق به تحصیل مانع از آن شد که درمان ادامه یابد لاجرم مجدداً راه پترزبورگ را در پیش گرفت و با وضع مزاجی نامساعد باز باشوق فراوان بتحصیل و مطالعه پرداخت . دریان در یکی از نامه‌های خود در این هنگام می‌نویسد :

« من در تمام عمر دانشجو خواهم ماند . » اما بیماری سل در وجود او ریشه میدواند و شاعر جوان غافل از آن سرگرم تحصیل و فعالیت های ادبی و سیاسی بود بهمین لحاظ این بیماری مزمن و پیشرونده در سال ۱۹۱۹ دریان را بنار دیگر به آسایشگاه کشانید و پس از استراحت چندی به منطقه‌ای گرمسیر از نقاط ترکیه بنام « اورنیواک » اعزام گردانید .

دریان در یکی از روزهای سال ۱۹۲۰ در سن ۳۵ سالگی چشم از جهان فرو بست .

دفترهای شعر دریان اینهاست .

« رؤیاهای شامگاهان » « شب و یادبودها » « داستان طلائی » « سلسله اشعار »

«زننجیر طلائی» «بازگشت» «اقلیم ارمنستان» «بهشت گریه» که کلیه آنها در زمان حیاتش به چاپ رسیده و پس از او تنها یکصد و پنجاه قطعه شعر چاپ نشده از او باز ماند.

در سالهای اخیر در ارمنستان مجموعه کاملی از آثار وی را با قطع و چاپ زیبایی انتشار داده اند.

واهان دریان شعر ارمنی را با آوردن اوزان جدید و ترکیبات بدیع (مخمس و مسمط) غنی ساخت و زبان شعر ارمنی را به درخشش واداشت و فنون شعری را به درجه کمال زیبایی رساند. شاعر بزرگ روس «بروسف» در این زمینه میگوید:

«دریان چشم اندازهایی را که از افق دید شاعران پیشین دور مانده بود وارد شعر ساخت. شعرهایش از لحاظ بیان و آهنگ برجسته ترین اشعار ارمنی است.»

آوردیک ایساها کیان مینویسد:

«زبان دریان زبانیست فصیح. روان و خالص و همانند صدای کاسه سیمین رسا و وطنین افکن.»

و درجائی دیگر میگوید:

«متأسفانه چنگ دریان در بحرانی ترین سنین خلاقیت هنری درهم شکست. او با درنگی نو و صدائی تازه عشق و میهن و طبیعت و آزادگی را سرود.»

دریان تا ابد شایسته دوستی. نوازش و درعین حال تأسف است.

(نا تمام)